موضوع: مراجعه 48 و چهل روایت بر امامت امیرالمومنین (ع)

شهادت حضرت صدیقه طاهره، فاطمه زهرا (س) که بنابر روایت 75 روز در این ایام واقع شده است را به محضر مقدس حضرت ولی عصر (عج) و همه محبان و اردتمندان به خاندان عصمت و طهارت تسلیت عرض می کنم.

جلوه گاه عصمت و معیــار ایمان فاطمه (س) روح و جان مصطفی(ص) ، محبوب جانان فاطمه(س)

راضیــــه هم بر قضاء و بر رضای کبریـــــا زین سبب مرضیـــه نزد حیّ سبحان فاطمه(س)

مریــــم و آسیـــــه فخر بانوان عالمنــــد لیک آن دو چون قمر، خورشید تابان فاطمه(س)

گر نبودی مرتضـــــی (ع) کفوی برای او نبُد یاور و همرزم آن یعسوب ایمان فـــــاطمه(س)

گفت پیغمبر (ص) فدای او بود بابــــــای او پاره تن مصطفی(ع) را ، روح و ریحان فــاطمه(س)

با خدیجه گفتگو قبل از ولادت می نـــــمود مام را هم مونس و هم نور چشمان فـاطمه(س)

ادامه بحث درباره حدیث هجدهم

صحبت درباره روایتی بود که ابومریم اعظمی آن را در مقابل حدیث «من اذی علیا فقد آذانی» مطرح کرده بود. در آن روایت آمده است: «من آذی عباس فقط آذانی». وی گفته است هر چند آنچه در روایت آمده است فضیلتی برای امیرالمومنین (ع) است اما یک فضیلت ویژه و اختصاصی نیست، زیرا در مورد عباس و دیگران نیز وارد شده است.

گفته شد با صرف نظر از بحث سندی، از نظر دلالی وقتی به قرائن موجود رجوع می کنیم می یابیم که آنچه در مورد عباس بیان شده است مربوط به مساله خویشاوندی و نسبت ایشان با پیامبر اکرم (ص) بر می گردد، اما آنچه درباره امیرالمومنین (ع) آمده مربوط به شخصیت و مقام و ولایت ایشان است.

با توجه به آنچه درباره روایت «من آذی عباس» بیان شد، جواب دو حدیث دیگری که صاحب کتاب الحجج الدامغات آورده است نیز روشن می شود. آن دو حدیث عبارت است از: «من آذی جاره فقد آذانی» و «من آذی مسلما فقد آذانی». در این دو حدیث نیز با صرف نظر از بحث سندی، از جهت دلالی نمی تواند معارض حدیث «من اذی علیا» به شمار آید. توضیح اینکه اذیت مسلمان و همسایه سه گونه ممکن است واقع شود:

1. اذیت با عمل نامشروع، مانند غیبت و تجاوز به مال و آبروی دیگری. قطعا اینگونه ایذاء حرام است و در حرمت آن تردیدی نیست.

2. اذیت با عمل و گفتار مشروع، مانند امر به معروف و نهی از منکر. این ایذاء قطعا مشروع است و بر آن اشکالی وارد نیست.

3. اذیت با عمل و گفتار مباح، . از آنجا که مسلمان و همسایه حریمی دارد، این ایذاء سبب می شود آن امر مباح، مکروه یا حرام باشد، مانند اینکه انسان با صدای بلند سخن بگوید. این سخن که به خودی خود اشکالی ندارد اگر موجب ایذاء مومن شود حرام است.

روشن است که این موارد، با روایتی که مربوط به امیرالمومنین (ع) است تعارض و رقابتی ندارد، زیرا آنچه درباره امیرالمومنین (ع) وارد شده است مربوط به شخصیت معنوی و حجت بودن ایشان است.

حاصل سخن این که در حدیث «من آذی علیا فقد آذانی»، ملاک حرمت اذیت، شخصیت معنوی علی (ع) است، ولی در دو حدیث مزبور ملاک، حرمت همسایگی و مسلمانی است و بر افضلیت و عصمت دلالت ندارد. بنابراین منافاتی با اختصاصی بودن آن حدیث به امیرالمومنین (ع) نخواهد داشت.

حدیث نوزدهم از مراجعه 48

قوله صلّى اللّه عليه و آله و سلّم: «من أحب عليا فقد أحبني، و من أبغض‏ عليا فقد أبغضني».

حاکم نیشابوری در مستدرک این روایت را نقل کرده و گفته است: مطابق شرط شیخین صحیح است. ذهبی نیز در تلخیص آن را صحیح دانسته و مطابق شرط شیخین دانسته است.[[1]](#footnote-1) امام شرف الدین در ادامه می فرماید: همانند این حدیث است سخن امیرالمومنین (ع) که فرمود: «و الذي فلق الحبة، و برأ النسمة، إنه لعهد النبي الأمي صلّى اللّه عليه و آله و سلّم، لا يحبني إلّا مؤمن، و لا يبغضني إلا منافق‏».[[2]](#footnote-2) این روایت را مسلم در صحیح خویش آورده است.[[3]](#footnote-3) ابن عبدالبر مضمون این حدیث را در کتاب الاستیعاب بیان کرده است. علامه سپس می فرماید: « و قد تواتر قوله صلّى اللّه عليه و آله و سلّم: «اللهم وال من والاه، و عاد من عاداه»، كما اعترف بذلك صاحب الفتاوى الحامدية في رسالته الموسومة بالصلاة الفاخرة في الأحاديث المتواترة». دعای پیامبر اکرم (ص) نیز همان مضمون روایت را دارد.

در صحت سند روایت جای تردیدی نیست و مضمون آن به تواتر نقل شده است. از نظر دلالت نیز همسان بودن محبت داشتن و خشم گرفتن بر علی (ع) با محبت ورزیدن و خشم گرفتن پیامبر اکرم (ص) دلالت بر افضلیت و عصمت امیرالمومنین (ع) دارد، زیرا نشان می دهد که ایشان از نظر شخصیت و مقام معنوی در تراز شخصیت و مقام پیامبر اکرم (ص) هستند. از آنجا که افضلیت از شرایط امامت است، روایت یاد شده بر امامت علی (ع) دلالت می کند و مدلول آن موید آیه ولایت است.

اشکال ابومریم اعظمی

صاحب الحجج الدامغات، ابتدا بر حاکم و ذهبی خرده گرفته و می گوید: در سند این روایت سعید بن اوس است که از رجال صحیحین نمی باشد و از طرفی از آن وثاقت بالا نیز برخوردار نیست، همان طور که ابن حجر گفته است: «صدوق له اوهام»، لذا سند روایت حسن است نه صحیح. وی بعد از این اشکال صرف نظر کرده و گفته است: البته با توجه به شواهدی که دارد می توان آن را صحیح دانست.

ابومریم از نظر دلالت همان اشکال پیشین را مطرح کرده و گفته است: این فضیلت، اختصاصی به امیرالمومنین (ع) نداشته و نمی تواند به عنوان دلیل افضلیت ایشان به شمار آید، زیرا همانند آن و یا برتر از آن در مورد دیگران نیز وارد شده است ، مانند اینکه پیامبر اکرم (ص) در مورد انصار فرمود: «من أحب الانصار فقد أحب الله و من أبغض الانصار فقد أبغض الله». در روایت دیگر آمده است: «من أحب الانصار فبحبی أحبهم و من أبغض الانصار فببغضی أبغضهم».[[4]](#footnote-4)

بررسی این مساله انشاءالله در جلسه آینده بیان خواهد شد.

﴿.....﴾ اللهم صل علی محمد و آل محمد

1. المستدرک علی الصحیحین، حاکم نیشابوری، ج3، ص 141، ح 4648 [↑](#footnote-ref-1)
2. المراجعات، علامه شرف الدین، ص 336- 337 [↑](#footnote-ref-2)
3. الصحیح، مسلم، ج1، ص 86، ح 131 [↑](#footnote-ref-3)
4. المعجم الکبیر، طبرانی، ج19، ص 294، ح 789 [↑](#footnote-ref-4)